

Analysis of International Principles, Rules and Procedures Regarding Internet Disconnection in Emergency and Security Conditions

Yaser Aminoroaya¹
Maryam Ahmadinezhad²
Mohsen Mataji³

Nowadays, the right to access the Internet is considered as a tool to achieve the right to freedom of expression, and governments have a duty to ensure widespread access to the Internet. Of course, emphasizing the right to access the Internet does not mean ignoring and unrespecting the sovereignty of states in emergencies. In other words, in International Human Rights System, when there is confrontation between maintaining national security and public order and human rights, such as the right to access the Internet, Support for national security and public order is a priority, although it leads to the restriction and temporary suspension of human rights. The question that arises in this article is how to analyze the action of the Islamic Republic of Iran in disconnecting the Internet in November 2017. In response to this question, the present study has been conducted with a descriptive-analytical approach and using library resources and valid international documents and judicial procedures. It is based on the premise that the International Rules for the Imposition of Restrictions and Suspensions on Internet access in the event of crisis for all countries, including the Islamic Republic of Iran.

Keywords

Freedom of Expression, National Security, Internet Access, Emergency.

1. Corresponding author: PH.D in International Law, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran
Aminroaya.yaser@yahoo.com

2. Assistant Professor, Alzahra University, Tehran, Iran
M.ahmadinejad@alzahra.ac.ir

3. PhD student in International Law, Mofid University, Qom, Iran
Mohsenmataji@yahoo.com



تحلیلی بر اصول، قواعد و روبه‌های بین‌المللی در قطع اینترنت در مواقع اضطراری و امنیتی

یاسر امین‌الرایا^۱

مریم احمدی نژاد^۲

محسن متاجی^۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۴

نشریه علمی آفاق امنیت / سال چهاردهم / شماره پنجاه و یکم - تابستان ۱۴۰۰: ۹۷-۱۲۵

چکیده

در عصر حاضر حق دسترسی به اینترنت، ابزاری برای دستیابی به حق آزادی بیان تلقی می‌شود و دولت‌ها وظیفه دارند از دسترسی گسترده به اینترنت اطمینان حاصل کنند. البته تأکید بر حق دسترسی به اینترنت به معنای نادیده گرفتن و احترام به حاکمیت دولت‌ها در شرایط اضطراری نمی‌باشد؛ به دیگر سخن در نظام بین‌الملل حقوق بشر، هنگام تزامم میان حفظ امنیت ملی و نظم عمومی با حقوق بشری مانند حق دسترسی به اینترنت، حمایت از امنیت ملی و نظم عمومی - هرچند با محدود و تعلیق نمودن موقت حقوق بشری همراه باشد - مقدم داشته شده است. پرسشی که در این مقاله مطرح می‌گردد این است که با توجه به روبه و قواعد بین‌المللی، اقدام جمهوری اسلامی در قطع اینترنت در آبان ماه ۱۳۹۸ چگونه تحلیل می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش، نوشتار حاضر که با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد و رویه‌های قضایی معتبر بین‌المللی نوشته شده است، بر این فرض استوار است که قواعد بین‌المللی اعمال «محدودیت» و «تعلیق» دسترسی به اینترنت را هنگام اضطرار و بحران برای تمامی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته است.

کلید واژه‌ها

آزادی بیان؛ امنیت ملی؛ دسترسی به اینترنت؛ شرایط اضطراری.

۱. نویسنده مسئول: دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی(ره)، تهران، ایران

Aminroaya.yaser@yahoo.com

M.ahmadinejad@alzahra.ac.ir

Mohsenmataji@yahoo.com

۲. استادیار، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه مفید، قم، ایران

مقدمه

در نتیجه اغتشاشات سراسری آبان ماه ۱۳۹۸، به جهت جلوگیری از گسترش آشوب‌ها، اینترنت در ایران قطع شد.^۱ طی این اقدام اینترنت بین‌المللی از دسترس کاربران خارج شد و تنها شبکه ملی اطلاعات قابل دسترسی بود. این اقدام ایران در قطع اینترنت، واکنش بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و نهادهای بین‌المللی را به دنبال داشت. به‌عنوان مثال دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در توئیتر خود نوشت: «ایران به اندازه‌ای بی‌ثبات شده است که رژیم آن کل سیستم اینترنت را قطع کرده است به گونه‌ای که ملت بزرگ ایران نمی‌تواند درباره خشونت وحشتناکی که در این کشور جریان دارد صحبت کنند.» (ترامپ، ۳۰/۸/۱۳۹۸). همچنین مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا در این خصوص گفت: «جمهوری اسلامی باید خشونت علیه مردم خود را متوقف کند و فوراً دسترسی همه ایرانیان به اینترنت آزاد و باز را فراهم کند.» (پمپئو، ۲۸/۸/۱۳۹۸). مقامات اروپایی نیز همانند مقامات آمریکایی به صورت هماهنگ این اقدام ایران را در قطع اینترنت محکوم نمودند. به‌عنوان نمونه مایا کوسیانچیچ سخنگوی امور خارجی اتحادیه اروپا از مقامات جمهوری اسلامی خواست در برابر معترضان در ایران حداکثر خویشتن‌داری را از خود نشان دهند و به قطع اینترنت در ایران پایان دهند (دویچه‌وله فارسی، ۳۰/۸/۱۳۹۸). هم‌چنین وزیر خارجه سوئد در محکومیت قطع دسترسی اینترنت در توئیتر نوشت: «تحولات ایران نگران‌کننده است. حق آزادی بیان و حق تظاهرات مسالمت‌آمیز باید محترم شناخته شود. دسترسی بدون محدودیت به اینترنت ضروری است.» (بی‌بی‌سی فارسی، ۲۸/۸/۱۳۹۸). جدای از مواضع مداخله‌جویانه مقامات سیاسی به موازات این موضع‌گیری‌ها، سازمان‌های بین‌المللی نیز جهت تحت فشار قراردادن جمهوری اسلامی ایران در اتصال مجدد اینترنت، این اقدام ایران را محکوم کردند طوری که در آن ایام دیده‌بان حقوق بشر نیز ضمن محکوم‌نمودن قطع اینترنت در ایران، این عمل ایران را نقض قواعد حقوق بین‌الملل دانست (بیانیه دیده‌بان حقوق بشر، ۲۹/۸/۱۳۹۸). نکته حائز اهمیت اینکه اتصال مجدد اینترنت در آن مقطع آن قدر برای مقامات آمریکایی حائز اهمیت بود که در آمریکا تعدادی از سناتورها^۲ با امضای نامه‌ای از دونالد ترامپ خواستند تا مسئولان جمهوری

۱. قطع اینترنت در ایران ۲۵ آبان ۱۳۹۸ آغاز شد و تا ۳ آذر ادامه داشت.

۲. این سناتورها عبارتند از: تد کروز و جان کورنین نمایندگان ایالت تگزاس، تام کاتن نماینده ایالت آرکانزاس، مارشا بلکبرن نماینده ایالت تنسی، پت تومی نماینده ایالت پنسیلوانیا، جان باروسو نماینده ایالت وایومینگ و مارکو رابینو

نماینده ایالت فلوریدا



اسلامی را که در قطع گسترده اینترنت در ایران دست داشته‌اند، تحریم کند.^۱ سوای از تحلیل‌های سیاسی، مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که با توجه به رویه و قواعد بین‌المللی، این اقدام جمهوری اسلامی ایران چگونه تحلیل می‌شود؟ به عبارتی دیگر آیا این اقدام ایران در قطع اینترنت با قواعد بین‌المللی و نیز رویه بین‌المللی در تعارض است؟ در پاسخ به این پرسش، نوشتار حاضر که با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد و رویه‌های قضایی معتبر بین‌المللی نوشته شده است، بر این فرض استوار است که در قواعد بین‌المللی اعمال «محدودیت» و «تعلیق» دسترسی به اینترنت به هنگام اضطرار عمومی و بحران، برای تمامی کشورها و از جمله جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده است.

چارچوب نظری

(۱) اینترنت و حق دسترسی به اطلاعات

حق آزادی اطلاعات پیش از آنکه به عنوان یک عامل زیربنایی در دموکراسی خوانده شود، یکی از حقوق بشری است که ارتباط عمیقی با کرامت ذاتی موجودات انسانی دارد. اطلاعات به مثابه اکسیژن در جامعه انسانی بوده و بر همین اساس، نمی‌توان شهروندان جامعه سیاسی را بدون دسترسی آزاد به اطلاعات تصور نمود. انتخاب آگاهانه شایستگان به اداره حکومت، اعمال حق تعیین سرنوشت و دیگر حقوق از الزامات زیست در جامعه سیاسی به شمار می‌رود که بدون دسترسی آزادانه به اطلاعات میسر نمی‌گردد. تحقق الزامات اساسی حکمرانی مطلوب همچون شفافیت، پاسخگویی و تصمیم‌سازی مشارکتی، پیوند وثیقی با حق دسترسی به اطلاعات دارد (حبیبی مجنده، ۱۳۹۵: ۱۲). حق بر آزادی اطلاعات به‌طور اساسی با حیثیت ذاتی همه افراد بشر پیوند دارد.^۲ در سال ۱۹۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نخستین اجلاسیه خود در قطعنامه ۳۵۹ با قاطعیت اعلام کرد که آزادی کسب اطلاعات یکی از بنیادی‌ترین حقوقی است که سازمان ملل متحد برای تحقق آن به وجود آمده است (اسلامی، عصاره، ۱۳۹۱: ۲۴۴). مجمع عمومی در این قطعنامه، آزادی اطلاعات را به عنوان بخشی از حق بنیادین آزادی بیان شامل حق

۱. وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز در تاریخ ۱ آذر ۱۳۹۸ محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات ایران را به دلیل نقض وی در «سانسور گسترده اینترنت» تحریم کرد.

2. Global trends on the right to information: a survey of South Asia. July 2001.

3. Calling of an International Conference on Freedom of Information [1946] UNGA 87; A/RES/59 (I) (14 December 1946).

جستوجو، دریافت و انتقال اطلاعات به‌شمار آورده است (کدخدائی، وکیل، ۱۳۹۴: ۱۸۰). همچنین ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی با عباراتی مشابه، به‌طور ضمنی حق دسترسی به اطلاعات را در خود جای داده است. عبارت «این حق شامل آزادی جستوجو، دریافت و انتقال اطلاعات و اندیشه‌ها» در هر دو سند دیده می‌شود (حبیبی مجنده، ۱۳۹۵: ۱۳-۱۲). کمیته حقوق بشر در تفسیر عمومی شماره ۳۴ به تشریح ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پرداخته است^۱. در بند ۱۸ این تفسیر عمومی تصریح شده است که بند ۲ ماده ۱۹ میثاق، دربرگیرنده حق دسترسی به اطلاعات و اندیشه‌هاست. در بند ۱۶ از دولت‌ها خواسته شده است به تحولات در فناوری اطلاعات و ارتباطات، مانند اینترنت و سامانه‌های توزیع الکترونیکی اطلاعات از طریق تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر تغییر رفتارهای ارتباطی در جهان توجه کنند (حبیبی مجنده، همان: ۱۲).

در این میان اینترنت به‌طور فزاینده‌ای دسترسی به این حق را برای جهانیان امکان‌پذیر ساخته است (بست^۲، ۲۰۰۴: ۲۳). آنچه مهم است توجه به این موضوع است که حق دسترسی به اطلاعات با ظهور اینترنت، هویتی جدید و متفاوت از مفهوم سنتی آن پیدا کرده است (اسلامی، عصاره، ۱۳۹۱: ۲۳۷). تا پیش از جهانی‌شدن، دسترسی به اطلاعات از طریق اینترنت، اطلاعات و دستیابی به آن عموماً با رویکردی دولتی قرائت می‌شد؛ به این معنی که اطلاعات و اسناد دولتی بر این مبنا که حاکمیت، تفویض قدرت مردم به نمایندگان‌شان است، به مردم تعلق داشت و دلیلی برای پنهان‌کردن این اسناد وجود نداشت. این مبنا بیان می‌دارد که شهروندان حق برخورداری از اطلاعات را دارند تا بتوانند با استفاده از آن از برنامه‌های حکومت خود در زمان گذشته، حال و آینده آگاه شوند (همان). اما به‌نظر می‌رسد با فوران اطلاعات متنوع و گوناگون در شبکه جهانی وب، باید در مفهوم دسترسی به اطلاعات تجدیدنظر کرد. در این میان دسترسی به اطلاعات دولتی بخشی از معنای عام آزادی اطلاعات خواهد بود.

۲) اینترنت، حق آزادی بیان و اعمال محدودیت

در نظام بین‌الملل حقوق بشر دو تأسیس شناخته‌شده وجود دارد. یکی از آن دو امکان «تحدید» حقوق و آزادی‌های انسان‌ها را در وضعیت عادی به دولت‌ها می‌دهد و دیگری

1. General comment no. 34, Article 19, Freedoms of opinion and expression, UN Human Rights Committee (HRC), 12 September 2011

2. Best



به دولت‌ها حق می‌دهد بسیاری از حقوق را در وضعیت اضطراری به حالت «تعلیق» درآوردند^۱ (قربان‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۸). حال در این مبحث و مبحث آتی امکان تحدید و تعلیق حق به دسترسی به اینترنت به‌عنوان یکی از مصادیق حق آزادی بیان مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.^۲

دسترسی به اینترنت به‌عنوان ابزار حق آزادی بیان

آزادی بیان اغلب به‌عنوان یک حق بشری مهم، اصلی و بنیادین توصیف می‌شود که برای صیانت از گفتمان دموکراتیک ضروری است (شلی^۳، ۲۰۰۱: ۱۱۲). مقصود از آزادی بیان این است که «افراد باید بتوانند آنچه درک می‌کنند، می‌فهمند و اعتقاد دارند را بیان کنند یا به دیگران منتقل سازند و دیگران را در جریان افکار خود قرار دهند.» (مدنی، ۱۳۸۰: ۷۷). حق آزادی بیان، در جهت حمایت از شأن و کرامت فردی حائز اهمیت است و ارتباط تنگاتنگی با سایر حقوق بشری دارد به‌طوری‌که نقض آن اغلب مقارن با نقض حقوق بشری دیگری خواهد بود (الحربی، ۲۰۱۱: ۱۱۱). از جمله مظاهر آزادی بیان، آزادی از ترس و بیان انتقادات است و همچنین آزادی تفحص و نیز دریافت و انتقال اطلاعات و افکار (ولفگانگ، ۲۰۰۶: ۲۹۹-۳۰۱). بر این اساس حق مزبور یکی از عناصر حکومت پاسخگو و از ارکان اساسی و ضروریات اجرای دموکراسی محسوب می‌گردد (لوکمان، ۲۰۱۲: ۵۹۷). در بسیاری از اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی از جمله ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۴، بند

۱. در تفاوت بین «محدودیت» حقوق‌حقوق بشری و «تعلیق» حقوق‌حقوق بشری شایان ذکر است: الف) محدودیت‌ها در شرایط عادی اعمال شده و به‌صورت دائمی می‌باشند اما تعلیق حقوق در شرایط بسیار استثنایی اعمال شده و به‌صورت موقتی است. ب) هم‌چنین در محدودیت‌ها وقتی یک حق مورد تحدید واقع می‌شود، به تمامیت این حق نمی‌توان لطمه‌ای وارد نمود؛ بلکه اجرای آن به‌طور جزئی محدود می‌گردد حال آنکه با تعلیق، یک حق به‌صورت موقت و به‌طور کامل قابلیت اجرایی خود را از دست می‌دهد (کوچک‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۷۱).

۲. بعضی از حقوق می‌توانند مورد تعلیق واقع شوند اما نمی‌توانند مورد محدودیت قرار گیرند مانند حق محاکمه منصفانه، حق انتخابات آزاد یا حق دسترسی به دادگستری که در هنگام جنگ می‌توان این حقوق را معلق نمود اما در شرایط عادی امکان این کار وجود ندارد. از سوی دیگر بعضی از حقوق هستند که هم قابل تعلیق بوده و هم قابل محدودیت از جمله حق «آزادی بیان». درنهایت برخی از حقوق هستند که تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند مورد تعلیق یا محدودیت قرار گیرند که به آن‌ها حقوق غیر قابل نقض می‌گویند مانند حق حیات و ممنوعیت شکنجه (کوچک‌نژاد، همان، ۱۷۱).

3. Shali

4. Universal declaration of human rights (1948): "Everyone has the right to freedom of opinion and expression."

۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی^۲، ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۳، ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم^۴ و ...، حق هر فرد به آزادی بیان صراحتاً مورد پذیرش واقع شده است. برخی معتقدند در عصر حاضر حق به دسترسی به هر نوع اطلاعاتی که در فضای اینترنت به وجود می‌آید، باید جزء آزادی بیان شمرده شود؛ زیرا این اجازه نتیجه ضمنی و قطعی محترم‌شمردن آزادی عقیده و بیان است (اسلامی، عصاره، همان: ۲۳۵). به عبارتی دیگر فضای بازی که اینترنت در اختیار مردمان جهان قرار داده است، میدانی وسیع برای به کارگیری آزادی بیان به وجود آورده است و دسترسی به اطلاعات موجود در این شبکه پهناور باعث شده تا افراد بتوانند به آسانی نسبت به ابراز عقاید و نظرات خود اقدام نمایند (همان: ۲۵۸). در این خصوص گزارشگر ویژه پیشبرد و حمایت از حق آزادی عقیده و بیان^۵ در گزارش خود به کمیسیون حقوق بشر اظهار می‌دارد: «چنانچه مردم دسترسی به اطلاعات و اینترنت نداشته باشند، آزادی بیان از هرگونه کارایی تهی می‌شود. دسترسی به اطلاعات برای شیوه زندگی مردم سالارانه جنبه اساسی دارد.» (حبیبی مجنده، همان: ۱۲). هم‌چنین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل^۶، به نوعی اینترنت را بستری برای نوآوری و صنعتی سازی کشورها قلمداد کرده و به موضوع دسترسی به اینترنت در هدف نهم پرداخته است و در این خصوص تصریح می‌نماید که باید دسترسی به تکنولوژی فناوری اطلاعات و ارتباطات به طور مؤثر افزایش یابد و تلاش شود که دسترسی جهانی و قابل اطمینان به اینترنت در کشورهای کمتر توسعه یافته تا سال ۲۰۲۰ تأمین گردد (UN General Assembly, 2015: Goal 9(5)(c))^۷.

1. International covenant on civil and political rights (1966): "Everyone shall have the right to freedom of expression."
2. European convention for the protection of human rights and fundamental freedoms (1950): "Everyone has the right to freedom of expression"
3. American convention on human rights(1992):" Everyone has the right to freedom of thought and expression."
4. African Charter on Human and Peoples(1986):"Every individual shall have the right to express and disseminate his opinions within the law."
۵. این گزارشگر در سال ۱۹۹۳ توسط کمیسیون حقوق بشر منصوب گردید.
6. Sustainable Development Goals (SDGs)
United Nations Millennium Development Goals
۷. جدای از این سند، اهداف توسعه هزاره سازمان ملل (United Nations Millennium Development Goals) هشت هدف را در نظر گرفته است که توسط ۱۹۱ کشور عضو سازمان ملل متحد تصویب شد و این کشورها متعهد گردیدند که تا سال ۲۰۱۵ برای دستیابی به آن تلاش کنند. در بخشی از این سند تأکید شده است کشورها با همکاری بخش خصوصی، مزایای فناوری‌های جدید، به ویژه اطلاعات و ارتباطات را در دسترس قرار می‌دهند که یکی از این موارد دسترسی به اینترنت است.



ارتباط بین اینترنت و حق آزادی بیان صراحتاً مورد تأکید محاکم بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری نیز قرار گرفته است. به‌عنوان نمونه، دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه Ahmet İldırım (احمد ییلدیریم علیه ترکیه^۱، ۲۰۱۲: ۵۳-۴۹) به‌صراحت دسترسی به اینترنت را با پارگراف اول ماده ۱۰ کنوانسیون (حق آزادی بیان) مرتبط دانسته است.^۲ همین موضوع عیناً در قضیه دلفی (دلفی علیه استونی^۳، ۲۰۱۵: ۳۱) مورد تأکید دیوان اروپایی قرار گرفت و دیوان در این قضیه نیز بر ارتباط بین حق به دسترسی به اینترنت و آزادی بیان تأکید کرد. در نهایت نکته حائز اهمیت اینکه دسترسی به اینترنت هرچند برای تحقق دیگر حقوق مهمی مضاعف دارد اما اینترنت در مقام ابزار بوده و به‌عنوان حق بشری مستقل نخواهد بود. در تبیین نسبت میان اینترنت و حقوق بشر، آنچه به‌صراحت در برخی قطعنامه و بیانیه‌ها مطرح شده، اهمیت اینترنت در بهره‌مندی از دیگر حقوق بشری است. در نسبت میان اینترنت و حقوق طبیعی نیز، دسترسی به اینترنت برای مردم و افراد منفعتی اساسی نداشته جز آنکه در تحقق برخی از حقوق طبیعی در زمان فعلی با توجه به پیشرفت‌های فناورانه می‌تواند نقشی مهم ایفا کند (تومالتی، ۲۰۱۷: ۶).

شرایط اعمال «محدودیت» در دسترسی به اینترنت

بیان گردید که حق دسترسی به اینترنت در رسیدگی‌ها و به‌موجب قواعد بین‌المللی، ابزاری برای حق آزادی بیان تلقی می‌گردد. هرچند بیشتر کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بر اهمیت حق آزادی بیان تأکید نموده‌اند، لکن باید دقت نمود که همین کنوانسیون‌ها اجازه اعمال محدودیت در خصوص اجرای این حق را به دولت‌ها در شرایط خاص واگذار نموده‌اند. به‌عنوان مثال در سطح معاهدات بین‌المللی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۴ در ماده ۱۹ خود دو نوع محدودیت برای حق آزادی بیان برای دولت‌ها به

1. Ahmet İldırım v. Turkey

۲. در این قضیه، خواهان یک سایت اینترنتی داشت که دستاوردهای علمی و دانشگاهی خود را منتشر می‌نمود. این وب‌سایت در بستر «گوگل» ایجاد شده بود و خدمات خود را دریافت می‌کرد و گوگل خدمات میزبانی سایت را ارائه می‌داد. در جریان رسیدگی کیفری به سایت اینترنتی فرد دیگر تحت قانون ممنوعیت توهین به آتاتورک، تمامی دسترسی‌ها به «گوگل» ممنوع شد. این ممنوعیت کلی موجب شد خواهان از دسترسی به سایت خود محروم گردد و بر اعمال حق بر دریافت و انتقال اطلاعات و ایده خواهان تأثیر گذاشت. دولت همچنین دسترسی به تمامی سایت‌هایی که از سوی گوگل میزبانی می‌شدند را منع نمود.

3. Delfi v. Estonia

4. International Covenant on Civil and Political Rights. Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966. entry into force 23 March 1976

رسمیت شناخته است

الف) احترام به حقوق یا حیثیت دیگران.

ب) حفظ امنیت یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.^۱

در سطح منطقه‌ای نیز کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۲ در ماده ۱۰،^۳ اعمال محدودیت‌هایی را برای دولت‌ها در اجرای حق آزادی بیان در مسائل امنیت ملی، تمامیت ارضی، سلامت عمومی یا برای حمایت از اعتبار یا حقوق دیگران، جلوگیری از افشای اطلاعاتی که به‌طور محرمانه دریافت شده یا مواردی که برای حفظ اقتدار و بی‌طرفی دستگاه قضایی ضروری است، به رسمیت شناخته است. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۴ نیز در ماده ۱۳ تأکید کرده است که جهت احترام به حقوق و حیثیت دیگران، حمایت از امنیت ملی، حمایت از نظم عمومی یا رفاه همگانی و اخلاق، اجازه اعمال محدودیت در اجرای حق آزادی بیان برای دولت‌های متعاقد وجود دارد.^۵

۱. ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «(۱) هیچ کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد. (۲) هر کس حق آزادی بیان دارد و این حق، شامل آزادی تفحص و تحصیل، اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات، خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به‌صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود می‌باشد. (۳) اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: الف) احترام حقوق یا حیثیت دیگران و ب) حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی.»

2. European Convention on Human Rights (ECHR), Drafted in 1950 by the then newly formed Council of Europe the convention entered into force on 3 September 1953.

۳. ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی داشتن نظریات و دریافت و اشاعه اطلاعات و اندیشه‌ها بدون مداخله مراجع دولتی و قطع نظر از مرزها است. این ماده مانع از آن نخواهد بود که دولت‌ها، مؤسسات رسانه‌ای، تلویزیونی و سینمایی را ملزم به اخذ پروانه کند. اعمال این آزادی‌ها به لحاظ اینکه مستلزم تکالیف و مسئولیت‌هایی است، ممکن است تحت تشریفات، شرایط، تصمیمات یا مجازات‌هایی قرار گیرد که به موجب قانون مقرر شده و در جامعه دموکراتیک به لحاظ مسائل امنیت ملی، تمامیت ارضی یا سلامت عمومی یا برای حمایت از اعتبار یا حقوق دیگران، جلوگیری از افشای اطلاعاتی که به‌طور محرمانه دریافت شده، یا حفظ اقتدار و بی‌طرفی دستگاه قضاوت است.»

4. American Convention on Human Rights: Signed at San José, Costa Rica, on 22 November 1969.

۵. بند ۱ ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر اشعار می‌دارد: «هر کس از حق آزادی بیان برخوردار می‌باشد. این حق مشتمل بر آزادی جست‌وجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع بدون توجه به محدوده مرزی، چه به‌صورت شفاهی، نوشتاری، چاپی، به شکل هنر یا به هر وسیله دیگر به انتخاب شخصی می‌باشد. بنابر بند ۲ ماده ۱۳ نیز، محدودیت‌های حق آزادی بیان عبارتند از: احترام به حقوق و حیثیت دیگران،



محدودسازی یا قطع اینترنت در رویه‌های متعددی^۱ نیز ملاحظه می‌شود. این کشورها با استناد به نظم عمومی، امنیت عمومی یا منافع ملی نسبت به مسدودسازی اینترنت اقدام می‌نمایند و درعین حال، تعریف موسعی از فعالیت‌های اینترنتی غیرقانونی ارائه می‌دهند. در برخی از کشورها قطع یا محدودساختن اینترنت توسط مراجع قضایی صورت می‌پذیرد و در برخی دیگر نیز فرآیندهای اداری برای این امر پیش‌بینی شده است (شورای اروپا،^۲ ۲۰۱۷: ۱۵). با این مقدمه از مجموع اقدامات خرابکارانه‌ای که در آبان ماه ۱۳۹۸ از سوی اغتشاش‌گران صورت گرفت، دو موضوع اخلال در «نظم عمومی» و نیز اقدام علیه «امنیت ملی» که جمهوری اسلامی ایران جهت قطع اینترنت به آن استناد نمود، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این مطالعه با توجه به رویه بین‌المللی و اینکه در چه شرایطی، اعمال محدودیت در آزادی بیان - که یکی از ابزارهای آن حق دسترسی به اینترنت است و به استناد تأمین نظم عمومی و امنیت ملی از سوی سایر کشورها مجاز تلقی می‌شود - صورت می‌پذیرد.

الف) محدودیت در دسترسی به اینترنت به استناد امنیت ملی

مفهوم امنیت ملی^۳ را می‌توان مهم‌ترین مفهومی دانست که دولت‌ها، به استناد آن تعهدات بین‌المللی، خود را محدود یا معلق می‌سازند؛ لذا نوع رویکرد به امنیت ملی، همچون برگ برنده‌ای است که همه‌چیز را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. تعریف امنیت ملی به واسطه ابهاماتی که دارد اساساً موجب بحث‌های فراوانی شده است (فریمن^۴، ۱۹۹۲: ۷۳۰) در ابتدا نگاه به مقوله امنیت صرفاً بر مؤلفه‌هایی چون دشمن خارجی و منافع مشروع ملی تأکید داشت، لکن به مرور زمان محرز گردید که تعبیر امنیت ملی همواره همراه با اصطلاحاتی چون منافع ملی، منافع حیاتی، ارزش‌های اساسی و غیره به‌کار می‌رود (ره‌پیک، ۱۳۷۷: ۱۳۲) و این امر نشانگر این واقعیت است که امروزه این مفهوم وجوه و ابعاد بسیار گسترده‌تری یافته و دیگر با تعاریفی چون تعریف پیش‌گفته قابل‌شناسایی نیست. به‌طور کلی، امنیت ملی سطحی از موقعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همراه با

حمایت از امنیت ملی، حمایت از نظم عمومی یا رفاه همگانی و اخلاق که البته این محدودیت‌ها تا حدی که ضرورت ایجاد نماید، اعمال می‌شوند.

۱. کشورهایی مانند ترکیه، اسپانیا، بلژیک، فرانسه، روسیه و انگلیس (Council of Europe, 2017: 15). هند، اندونزی، اوگاندا، الجزایر، عراق و بروندی

2. Council of Europe
3. National Security
4. Freeman

رضایت‌مندی لایه‌های مختلف جامعه است که تمامیت ارضی، اقتدار ملی، رفاه عامه، توسعه پایدار و مصونیت فرهنگی را بدون دخالت قدرتهای خارجی برای موجودیت و کیان دولت فراهم می‌سازد؛^۱ لذا با این توضیح می‌توان بیان داشت که هرگونه عمل یا حوادثی که امنیت اقتصادی، اجتماعی، داخلی یا نظام سیاسی - عقیدتی و ساکنان یک کشور را تهدید کند، تهدید علیه امنیت ملی است (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۴۸-۱۴۷). رویه قضایی بین‌المللی نیز در این زمینه قابل توجه است. به‌عنوان نمونه، دیوان اروپایی حقوق بشر^۲ در رسیدگی به برخی پرونده‌ها در زمانی که امنیت ملی کشور در خطر باشد، اجازه دخالت دولت‌ها در حقوق مندرج در کنوانسیون را داده است (دنیز^۳، ۲۰۱۸: ۵)؛ به‌عبارت‌دیگر، امنیت ملی توسط دیوان اروپایی به‌عنوان زمینه قانونی برای محدودکردن برخی از حقوق بشری شناخته‌شده است چراکه به اذعان دیوان، کشوری که با تهدیدات امنیتی روبروست نمی‌تواند هیچ‌گونه حقوق و آزادی برای شهروندان خود تضمین کند^۴ (همان: ۶). نکته حائز اهمیت این است که دیوان اروپایی حقوق بشر در قضایای مربوط به امنیت ملی، حق صلاحدید «موسع»^۵ به دولت‌های عضو کنوانسیون اعطا کرده است.^۱ دیوان اروپایی حقوق

۱. باید توجه داشت که گفتمان جدید امنیت ملی به‌شدت تحت تأثیر فرآیند «جهانی‌شدن» است. در این گفتمان، امنیت دیگر در فقدان «تهدید» تعریف نمی‌شود؛ بلکه بر مبنای ماهیتی ایجابی، بر وجود «اطمینان خاطر» نزد شهروندان دلالت دارد. از این دیدگاه، امنیت ملی به مجموع توانمندی‌های (طبیعی، بهره‌برداري و راهبردی) یک نظام برای «دستیابی به منافع ملی» اطلاق می‌شود و «نبود تهدید» صرفاً مقدمه تحقق آن به حساب می‌آید (افتخاری، ۱۳۷۹: ۳۳-۳۰).
۲. در سطح بین‌الملل، پیشرفته‌ترین مکانیسم حمایت از حقوق بشر در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر ایجاد شده است؛ لذا بدیهی است بسیاری از پرونده‌های مطروحه در این مقاله از پرونده‌های آن مرجع مطرح گردد.

3. Deniz

۴. این در حالی است یکی از نکاتی که شورای اروپا در خصوص وظایف دولت‌ها نسبت به آن تأکید دارد، تأمین اینترنت باز برای مردم است. این شورا در توصیه نامه سال ۲۰۱۱ خود (Recommendation CM/Rec,2011/8) که به منظور حفاظت و ارتقای اینترنت (تمامیت و بازبودن) تصویب شده، ضمن یادآوری اهمیت اینترنت و انتظاری که مردم از آن دارند، تأکید می‌کند که اینترنت، ابزاری است برای حفاظت از آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات بدون توجه به مرزها. کمیته وزیران شورای اروپا در توصیه نامه (Recommendation,2001/8) اظهار می‌دارد مقامات دولتی نباید از طریق مسدودکردن و فیلترکردن اقدامات، مانع دسترسی عموم مردم به اطلاعات و ارتباطات دیگر بر روی اینترنت بدون در نظر گرفتن مرزها شوند. دسترسی به اینترنت شهروندان اروپایی از چنان اهمیتی برخوردار است که کمیته وزیران شورای اروپا با صدور دو توصیه نامه (Recommendation,2001/8) و نیز توصیه (Recommendation, CM/Rec,2008/6) بر منع مداخله کشورهای عضو در ایجاد مانع در دسترسی به اینترنت تأکید نموده است (رضایی، بابازاده، ۱۳۹۳: ۷۲-۶۶).

5. Wide Margin of Appreciation.



بشر در قضیه لیندر به جهت حمایت از امنیت ملی، حق به صلاحدید موسعی^۲ را به دولت اعطاء نمود (لیندر علیه سوئد^۳، ۱۹۸۷: بند ۵۹). همین موضوع در پرونده‌های متعددی مورد تصریح دیوان اروپایی حقوق بشر قرار گرفته است؛ از جمله در پرونده لیندر علیه سوئد^۴، دیوان پذیرفت که حق به صلاحدید دولت در انتخاب، ابزاری برای حفاظت از امنیت ملی، گسترده است (دیوان اروپایی حقوق بشر، ۲۰۱۳: پاراگراف ۲۹). همچنین در پرونده کوپ علیه سوئیس^۵، دیوان صراحتاً می‌پذیرد زمانی که امنیت ملی یک کشور در معرض خطر قرار دارد، هیچ مذاکره‌ای وجود ندارد که بتواند نظارت را ممنوع کند (همان، ۱۱: ۲۵). علاوه بر این، دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه ایرلند علیه انگلستان، اعطای اختیارات گسترده به دولت‌ها هنگام تهدید امنیت ملی را مورد تأکید قرار داده است (ایرلند علیه انگلستان^۶، ۱۹۸۷: بند ۲۰۷). بسیاری از کشورها روش‌های خاصی برای محدود کردن یا حذف محتوای اینترنت در دست دارند که اغلب مربوط به مواردی است که امنیت ملی را تهدید می‌کند. برخی از کشورها مانند ترکیه، اسپانیا و فرانسه با استناد به قانون خاصی که در این زمینه به تصویب رسانده‌اند، اقدام به مسدودسازی و حذف سایت‌ها از امکان

۱. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به‌عنوان یک کنوانسیون منطقه‌ای دو نوع محدودیت در رابطه با حقوق مصرح خود به رسمیت شناخته است: یکی محدودیت‌هایی است که هر دولت طبق قانون برای رعایت نظم عمومی، امنیت جامعه، حفظ سلامت و اخلاق جامعه در خصوص آزادی بیان و اجتماعات و اظهار مذهب برقرار می‌نماید و دیگری، خودداری از اجرای حقوق مندرج کنوانسیون توسط دولت‌های عضو در زمان بروز جنگ یا وضعیت اضطراری است که حیات ادامه شماره ۵ صفحه قبل: ملت را تهدید می‌کند (ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر). مفهوم ماهوی دکترین صلاحدید به همین محدودیت‌های اعمال‌شده بر حقوق مندرج در کنوانسیون از این نقطه نظر که چه مقدار اختیار و آزادی به دولت‌ها در ارزیابی و حل تعارضات ایجادشده بین رعایت حقوق مندرج در کنوانسیون و اهداف عمومی اعطا می‌گردد، اشاره دارد. جهت مطالعه بیشتر راجع به مفهوم و حدود و ثغور دکترین صلاحدید دولت‌ها رجوع کنید به احمدی‌نژاد، امین‌الرعایا (الف)، ۱۱۸: ۱۳۹۵-۹۳.

۲. یکی از موضوعاتی که در دکترین صلاحدید دولت‌ها اهمیت بسیار دارد، حوزه اختیار و آزادی عملی است که دولت‌های عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هنگام مواجه شدن با هر یک از مواد کنوانسیون از آن برخوردار می‌باشند. بسیار طبیعی است که اختیارات دولت‌ها در مواجهه با بعضی از حقوق مندرج در کنوانسیون محدودتر از مواد دیگر کنوانسیون می‌باشد. در چنین مواقعی دیوان اروپایی حقوق بشر میزان اختیاراتی که مقامات دولت‌ها در هر پرونده از آن برخوردار می‌باشند را بررسی می‌نماید. بدین جهت دیوان در هر پرونده‌ای با توجه به موضوع پرونده و نیز شرایط حاکم بر آن نوعی از دکترین صلاحدید که می‌تواند «موسع»، «محدود» یا «خاص» باشد را به آن قضیه اختصاص می‌دهد (احمدی‌نژاد، امین‌الرعایا (ب)، ۱۲۵: ۱۳۹۵).

2. Leander v. Sweden
4. Leander v. Sweden.
5. Kopp v. Switzerland.
5. Ireland v. United Kingdom

مشاهده عمومی می‌کنند (اتحادیه اروپا^۱، ۲۰۱۷: ۱۵). به‌عنوان نمونه، مجلس فرانسه در سال ۲۰۱۵ برای حفظ امنیت ملی‌اش، در اعتراض‌ها و حملات تروریستی، قانونی را تصویب کرده که به پلیس فرانسه اختیارات گسترده‌ای می‌دهد که از جمله این اختیارات، اختیار سانسور و قطع اینترنت می‌باشد^۲ از این‌رو در آن مقطع، دولت فرانسه به جهت تهدید بالقوه و خطرناک و مستمر تروریستی با ارسال یادداشتی به دبیرکل شورای اروپا تعهدات حقوق بشری خود را به مدت سه ماه تعلیق نمود (گریفین^۳، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۵). این امر به کشورهای مذکور محدود نگشته و کشورهای روسیه و انگلیس (قانون ضد تروریسم ۲۰۰۶) نیز مقرراتی دارند که براساس آن می‌توانند نسبت به مسدودسازی و حذف سایت‌ها با محتوای تروریستی یا غیرقانونی یا محتواهای برضد امنیت ملی‌شان اقدام نمایند. روسیه نیز با تصویب قانون مبارزه با فعالیت‌های افراط‌گرایانه طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های اینترنتی را افراطی توصیف کرده و براساس آن، محتوای مرتبط با آن را مسدود می‌نماید. این محتوای افراط‌گرایانه به‌طور موسعی تعریف شده و می‌تواند اقدامات علیه امنیت ملی را نیز دربرگیرد. (شورای اروپا، ۲۰۱۷: ۱۵) دولت آمریکا به دلیل خطرات احتمالی که نرم‌افزار چینی تیک‌تاک ممکن است برای امنیت ملی‌اش داشته باشد، نسبت به تحریم و فیلترینگ این نرم‌افزار تهدید نموده است و فرصت ۴۵ روزه‌ای جهت فروش این نرم‌افزار به یک شرکت آمریکایی تعیین کرده است. این در حالی است که نرم‌افزار تیک‌تاک بیش از ۱۰۰ میلیون کاربر در ایالات متحده دارد. دلیل آمریکا بر این مقرر چینی مبتنی است که تمام شرکت‌های چینی موظفند داده‌های خود را در اختیار سرویس‌های اطلاعاتی چین قرار دهند؛ از این‌رو ترامپ معتقد است این شرکت داده‌های کاربران آمریکایی را به سرویس اطلاعاتی چین تحویل می‌دهد و از این منظر تهدیدی برای امنیت ملی آمریکا است. از دیگر دلایل ترامپ برای تهدید به قطع دسترسی به نرم‌افزار تیک‌تاک، وجود نگرانی‌هایی راجع به دخالت چین در انتخابات از طریق این نرم‌افزار می‌باشد (لسکین^۴، ۲۰۲۰، <https://www.businessinsider.com>) همچنین دولت آمریکا دسترسی کاربران انگلیسی زبان به سایت فارس‌نیوز دات کام را ناممکن ساخت (خبرگزاری فارس، ۲۵ ژانویه ۲۰۲۰). در میانه مارس ۲۰۱۵ نیز دولت پاکستان به دلیل نگرانی‌های امنیتی راجع به برگزاری

1. Council of Europe

۲. نخست‌وزیر وقت فرانسه امانوئل والس در این خصوص به پارلمان گفت: «این پاسخ سریع دموکراسی است که با وحشیگری روبرو است. این پاسخ حقوقی مؤثر در مواجهه با ایدئولوژی هرج و مرج است.»

3. Griffin

4. Leskin, 2020: <https://www.businessinsider.com>



مراسم روز پاکستان، نسبت به قطع اینترنت تلفن همراه اقدام نمود (وست^۱، ۲۰۱۶: ۳). از جمله این موارد که به استناد تأمین امنیت ملی صورت گرفته است، مسدودسازی اینترنت کشمیر توسط دولت هند در خلال تظاهرات مردم کشمیر می‌باشد (واشنگتن پست^۲، ۲۰۱۹/۱۲/۱۵).

ب) محدودیت در دسترسی به اینترنت به استناد نظم عمومی

نظم عمومی^۳ یکی از مفاهیم مهمی است که در دو حوزه بین‌المللی و داخلی، همچنین در مفاد معاهدات بین‌المللی پیش‌بینی شده است^۴. این اصطلاح یکی از مفاهیم بنیادینی است که در علم حقوق واجد آثار مهمی می‌باشد و در عین حال نظم عمومی، اصطلاحی غیرواضح است^۵ (زیمرن^۶، ۲۰۱۱: ۱۳۱۱) چراکه برحسب مقتضیات، متغیر است؛ لذا در خصوص اصل مفهوم نظم عمومی دیدگاه‌ها، بسیار مشتت و متفاوت است^۷. واقعیت این است که در سطح جهانی هیچ‌گونه تفاهم فراگیر و مبنایی در مورد مفهوم نظم عمومی وجود ندارد به طوری که بعضی نویسندگان معتقدند نظم عمومی نام غیرسیاسی و غیرتهاجمی منافع ملی است (اوکیفر^۸، ۱۹۹۹: ۱) حال آنکه برخی دیگر مهم‌ترین مؤلفه نظم عمومی را عدالت می‌دانند. در واقع در خصوص نظم عمومی همین‌قدر اتفاق نظر وجود دارد که این مفهومی سیال و مبهم است (ایرانشاهی، ۱۳۹۰: ۷۶). البته این مبهم‌بودن مفهوم نظم

1. West

2. The Washington Post

3. Public Order.

۴. به‌عنوان مثال در بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر شده است «در تحقق آزادی و حقوق فردی، هرکس می‌بایست تنها زیر محدودیت‌هایی قرار گیرد که به‌واسطه قانون فقط به قصد امنیت در جهت بازشناسی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران وضع شده است تا اینکه پیش شرط‌های عادلانه اخلاقی، نظم عمومی و رفاه همگانی در یک جامعه مردم‌سالار تأمین گردد.»

۵. در خصوص رابطه بین نظم عمومی از یک سو و امنیت ملی و منافع اساسی از سوی دیگر، شایان ذکر است که رابطه این دو مفهوم عموم و خصوص من وجه می‌باشد؛ به عبارت دیگر اخلال در نظم عمومی در بسیاری از مواقع نقض امنیت ملی محسوب می‌گردد لکن نقض امنیت ملی مفهومی بسیار بسیط می‌باشد که اخلال در نظم عمومی یکی از شقوق آن در نظر گرفته می‌شود.

6. Zimmermann

۷. در خصوص معنا، مفهوم و جایگاه نظم عمومی بین کشورها رجوع شود به:

Wyndham A. Bewes, "Public Order (Ordre Public)", Law Quarterly Review, Vol.37, 1921. Ignaz Seidl-Hohenveldern, "Ordre Public (Public Order)", in Encyclopedia of public international law. Edmund .. Bennett, "Public Meetings and Public Order. The United States", Euarterly Review, Vol.4. p 237; George SS Dession, Sanction, "Kaw and Public Order", S Vanderbilt e aw Cevew.volCI, 1947-1948.

8. Okekeifere

عمومی به معنای اختیار مطلق دولت‌ها در محدود کردن یا تعلیق کردن حقوق بشری مانند حق آزادی بیان نمی‌باشد. این مهم در سال ۱۹۷۷ مورد تأکید دیوان دادگستری اروپا در قضیه بوشر^۱ قرار گرفته است، بدین عبارت که «این مفهوم، جدای از آشفتگی در نظم اجتماعی که شامل تمام موارد نقض قانون می‌شود، یک تهدید واقعی و به‌اندازه کافی خطرناک می‌باشد» (رجینا علیه پیر بوچرو^۲، ۱۹۷۷: پاراگراف ۲۶). به‌موجب این تصمیم، دیوان منع آزادی مطلق، کشورهای عضو را در تعریف نظم عمومی مورد تأکید قرار داده است، به طوری که این مرجع، دو معیار را برای هر قاعده‌ای که قرار باشد به‌عنوان تهدید علیه نظم عمومی توصیف شود، لازم می‌داند؛ اولاً، باید دربرگیرنده خطر واقعی و کاملاً جدی باشد و نه فقط هر تجاوزی به یک قاعده و ثانیاً، در مواقع استناد به نظم عمومی باید حمایت از منافع اساسی جامعه موردنظر باشد. آنچه مسلم است دیوان اروپایی حقوق بشر اعمال محدودیت در دسترسی به اینترنت را جهت برقراری نظم عمومی به رسمیت شناخته است (شورای روابط خارجی^۳، ۲۰۱۳: ۱۳). این موضوع مورد تأکید دیوان اروپایی در پرونده کی یو علیه فنلاند نیز (ک. ی. علیه فنلاند^۴، ۲۰۰۸: بند ۴۹) قرار گرفت. دیوان در این خصوص اعلام نمود که هرچند آزادی بیان و محرمانه‌بودن ارتباطات ملاحظاتی اساسی می‌باشند و این حق کاربران ارتباطات و خدمات اینترنتی است که مطمئن باشند حریم شخصی و آزادی بیان ایشان رعایت خواهد شد، لکن چنین تضمینی نمی‌تواند مطلق باشد؛ چراکه این حق دولت‌ها است که براساس ضروریات قانونی همچون پیشگیری از بی‌نظمی یا جرم یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران، بتوانند این حق را محدود یا ممنوع نمایند^۵. این اختیار دولت‌ها در محدود نمودن آزادی بیان مجدداً در قضیه Sürek

1. Bouchereau.

2. Regina v. Pierre Bouchereau

3. Council on Foreign Relations

4. K.U. v. Finland

۵. این اعطای اختیارات دیوان به دولت‌های عضو کنوانسیون اروپایی جهت محدود نمودن دسترسی به اینترنت در حالی است که جدای از اصل ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، شورای اروپا در ۲۸ مه ۲۰۰۳ اعلامیه مربوط به آزادی ارتباطات در اینترنت را به تصویب رساند. در این اعلامیه با اشاره به ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ضرورت تأمین و تضمین آزادی بیان و جریان آزاد اطلاعات از طریق اینترنت و از میان برداشتن موانع مشارکت افراد در جامعه اطلاعاتی را مورد تأکید قرار داد. در این اعلامیه آمده «دولت‌های عضو باید دسترسی همگان به تمام خدمات ارتباطی و اطلاعاتی اینترنت را به‌گونه‌ای غیر تبعیض‌آمیز و با بهایی منطقی، ترغیب و تشویق کنند. همچنین تدارک‌دهندگان خدمات باید اجازه داشته باشند در یک چارچوب مقرراتی مناسب که دسترسی غیر تبعیض‌آمیز آنان به شبکه‌های ملی و بین‌المللی ارتباطات دور را تضمین نماید، به فعالیت بپردازند. در این اعلامیه همچنین تأکید شده است به دلیل تأثیر اینترنت در زندگی مردم، دولت‌ها موظفند ضمن عدم ایجاد مانع برای دسترسی عموم به اینترنت، زمینه دسترسی را نیز



(سورک علیه ترکیه^۱، ۱۹۹۹: بند ۶۱) مورد تأکید قرار گرفت به طوری که دیوان اروپایی در این قضیه بیان داشت «با توجه به اینکه ضروری است دولت‌ها نظم عمومی را تضمین نمایند از این رو دولت‌ها جهت تضمین نظم عمومی صلاحدید موسعی جهت محدود نمودن آزادی بیان دارند.»

۳) «تعلیق» حق به دسترسی به اینترنت به استناد اصل «اضطرار»

همان‌طور که ملاحظه شد، به استناد قواعد بین‌المللی و منطقه‌ای، این حق برای دولت‌ها وجود دارد حق دسترسی به اینترنت را به‌عنوان ابزاری برای اعمال حق آزادی بیان هنگام در معرض خطر قرار گرفتن امنیت ملی یا هنگام برهم خوردن نظم عمومی جامعه، «محدود» نمایند. جدای از این حق به‌موجب قواعد بین‌المللی نه‌تنها امکان محدود نمودن اجرای حق آزادی بیان برای دولت‌ها وجود دارد؛ بلکه امکان «تعلیق»^۲ موقت حق آزادی بیان هنگامی که امنیت ملی یک کشور در معرض خطر قرار می‌گیرد، پیش‌بینی شده است (کوچک‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۷۱). در این خصوص با بررسی قواعد و رویه بین‌المللی محرز می‌گردد که در عرصه حقوق بین‌الملل یک سنت ثابت و طولانی وجود دارد که دولت‌ها، منافع ملی‌شان^۳ را حتی مواقعی که ملزم به رعایت حقوق بشری می‌گردند و نیز هنگامی که به‌وسیله آن توافقات محدود می‌گردند، همچنان اعمال می‌نمایند. بدین معنا که هرچند حضور در جامعه بین‌المللی مستلزم این است که دولت‌ها با گذار از آزادی عمل کامل و مطلق، از بخشی از این آزادی عمل به نفع حداقل منافع مشترک خویش صرف‌نظر نمایند، لکن به‌طور سنتی دولت‌ها حق خود را بر عدم انطباق و رعایت تعهدات بین‌المللی در شرایط خاص، به‌خصوص اگر انطباق با تعهدات منجر به صدمه‌زدن به حاکمیت، امنیت ملی یا به‌طور کلی منافع حیاتی آن‌ها گردد، همچنان حفظ نموده‌اند (امین‌الرعیاء، موسوی، ۱۳۹۳: ۹۴).

اعمال «تعلیق» در دسترسی به اینترنت به استناد اصول، قواعد و رویه بین‌المللی

در اهمیت حفظ منافع ملی و حاکمیت دولت‌ها بیان گردید که در عرصه حقوق

فراهم نمایند؛ یعنی با تدابیری که برای توسعه زیرساخت‌ها اتخاذ می‌کنند دسترسی به اینترنت را از ابعاد مختلف تقویت نمایند. (رضایی، مهدی؛ بابازاده، حامد، همان : ۷۲-۷۱).

1. Sürek v. Turkey

۲. به این علت که حق آزادی بیان از جمله حقوق قابل تعلیق می‌باشد.

۳. منافع ملی اشاره به اهداف اولیه‌ای دارد که مردم و دولت در صدد حفظ و تحصیل آن هستند. منافع ملی در دو سطح داخلی و خارجی مطرح می‌گردد که به‌طور کلی مصادیق منافع ملی دولت‌ها در بعد داخلی عبارتند از حمایت از امنیت ملی و نظم عمومی.

بین الملل به طور طبیعی دولت‌ها هنگامی خود را به رعایت معاهدات و کنوانسیون‌های بین-المللی ملزم می‌دانند که آن کنوانسیون، محدودکننده اختیارات دولت جهت حفظ منافع ملی در مواقع اضطراری و فوق العاده نباشد؛ لذا طبیعی است که اولین زمینه تعلیق یا محدودیت مفاد یک معاهده بین‌المللی تلاقی آن معاهده با شرایط اضطراری می‌باشد. این موضوع در کنوانسیون‌های حقوق بشری و غیرحقوق بشری مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان نمونه، ماده چهار میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱ بیان می‌دارد «هرگاه یک خطر عمومی استثنایی (فوق العاده) موجودیت ملت را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام شود، دولت‌های عضو این میثاق می‌توانند تدابیری خارج از الزامات مقرر در این میثاق به میزانی که وضعیت حتماً ایجاب می‌نماید، اتخاذ نمایند...» آنچه مهم است توجه به این موضوع است که به موجب معنای مخالف بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲، حق آزادی بیان که یکی از ابزار آن حق دسترسی به اینترنت می‌باشد، از جمله حقوقی است که در شرایط اضطراری می‌توان آن را تعلیق نمود. این مهم عیناً در ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر تأکید شده است. در این خصوص ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بیان می‌دارد «(۱) در هنگام جنگ یا وضعیت اضطراری عمومی دیگری که حیات ملت را تهدید کند، هر یک از اعضای معاهده می‌تواند صرفاً در حدودی که مقتضیات وضعیت مزبور ایجاب می‌کند، تدابیری دایر بر عدول از تعهدات خود تحت این کنوانسیون اتخاذ نماید؛ مشروط بر آنکه تدابیر با سایر تعهدات وی تحت حقوق بین‌الملل متعارض نباشد.» ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۳ نیز بدین نحو بر حق دولت‌های عضو کنوانسیون در عدول از تعهدات حقوق بشری خود تأکید کرده است که قطع دسترسی به اینترنت به عنوان یکی از ابزارهای حق آزادی بیان نیز شامل آن است «(۱) در زمان جنگ، خطر عمومی یا دیگر خطرات اضطراری که استقلال یا امنیت یک دولت عضو تهدید شود، آن دولت می‌تواند تا حد لازم و برای مدت زمانی محدود که به علت استثنائی بودن وضعیت اضطراری است، اقداماتی را برای عدول از تعهداتش به موجب کنوانسیون حاضر اتخاذ کند.» در سطح محاکم بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گابچیکو و ناگیماروس ضمن تأیید به

1. International Covenant on Civil and Political Rights Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 2200A (XXI) of 16 December 1966, Article 4.

۲. بند ۲ ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی «حکم مذکور در بند فوق هیچ‌گونه انحراف از مواد ۶ و ۷ (بندهای اول و دوم) ماده ۸، ۱۱، ۱۵، ۱۶ و ۱۸ را تجویز نمی‌کند.»

3. American Convention on Human Rights, Article 27.



رسمیت‌شناختن مفهوم ضرورت، به بیان آثار آن می‌پردازد «ضرورت، مبنایی است که در حقوق بین‌الملل عرفی به‌منظور زائل‌ساختن وصف متخلفانه فعل مغایر با تعهد بین‌المللی مورد تأیید قرار گرفته است.» (گابچیکوو ناگیماروس^۱، ۱۹۹۷: بند ۴۰-۴۱). دیوان اروپایی حقوق بشر نیز برای اولین بار در قضیه هند سایید (هندی سایید علیه بریتانیا^۲، ۱۹۷۶: پاراگراف ۴۷-۴۸) تعلیق تعهدات را به‌موجب ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مورد تأیید قرارداد. همچنین در قضیه یونان در مقابل انگلستان، مجدداً کمیسیون، در رابطه با اضطرار تأکید نمود که مقامات انگلیس «می‌بایست برای اعمال اقدامات خاص صلاحیتی در رابطه با چارچوب ضرورت ایجادشده دارای اختیار باشند» (یونان علیه بریتانیا^۳، ۱۹۶۹: بند ۵۹). در قضیه لاولس نیز کمیسیون مجدداً بر «یک وضعیت اضطراری عمومی که حیات ملت را تهدید می‌کند» تأکید و بیان داشت «دولت دارای صلاحیت خاص در تعیین حدود وضعیت اضطراری عمومی که حیات ملت را تهدید می‌کند می‌باشد؛ لذا این دولت می‌تواند از طریق اقدامات استثنایی از تعهدات طبیعی که خود تحت مواد کنوانسیون آن‌را قبول نموده است، تخطی نماید.» (پرونده لالس علیه ایرلند^۴، ۱۹۵۸: بند ۸۲).

معیارهای شرایط اضطراری

سابقاً بیان گردید که سه کنوانسیون مهم حقوق بشری حاوی مقرره‌ای است که به دولت‌های عضو اجازه می‌دهد در شرایط اضطراری و فوق‌العاده، اجرای بسیاری از حقوق را به حالت تعلیق درآورند. نکته حائز اهمیت این است که اعلام شرایط اضطراری در نظام بین‌الملل معیارهایی دارد. به عبارت دقیق‌تر، در نظام بین‌الملل سه معیار وجود دارد^۵ که در تشخیص وضعیتی که می‌تواند به‌طور صحیح به‌عنوان وضعیت اضطراری توصیف شود، مساعدت می‌نمایند. اولین معیار شرایط اضطراری این است که نقض تعهد یک دولت می‌بایست جهت حمایت از یک «منفعت ضروری»^۶ انجام‌شده باشد. حال این سؤال مطرح می‌شود که مفهوم منفعت ضروری چیست؟ نظر به اینکه درخصوص منفعت

1. Gabcikovo-Nagymaros
2. Handyside v. United Kingdom
3. Greece v. UK
4. Lawless v. Ireland

۵. به‌عنوان نمونه کمیسیون اروپایی حقوق بشر در قضیه یونان، معیارهای وضعیت اضطرار عمومی را به شرح ذیل تبیین نمود: (۱) بالفعل یا قریب‌الوقوع باشد، (۲) آثار آن تمام ملت را دربرگیرد، (۳) استمرار حیات سازمان‌دهی‌شده اجتماع را تهدید کند و (۴) بحران یا خطر استثنایی باشد به‌نحوی که اقدامات یا محدودیت‌های عادی اجازه‌داده‌شده توسط کنوانسیون برای حفظ ایمنی عمومی، بهداشت و نظم عمدتاً ناکافی باشد (Netherlands v. Greece, 1969: 22-28)

6. Essential Interest

ضروری تعریف واحدی وجود ندارد، این مفهوم را می‌بایست در گزارش‌ها و آرای محاکم دآوری و قضایی بین‌المللی جست‌وجو نمود. در خصوص معنای «منفعت ضروری» چند تن از گزارشگران ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل تعاریفی بیان داشته‌اند. به‌عنوان نمونه، گزارشگر ویژه روبرتو آگو^۱ اشاره می‌کند که «منفعت ضروری» می‌تواند شامل «موجودیت سیاسی یا اقتصادی، حفظ صلح داخلی، حفاظت از محیط‌زیست، حفاظت از یک بخش از مردم و غیره» باشد (سازمان ملل متحد^۲، ۱۹۸۰: بند ۱). یکی دیگر از گزارشگرهای ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل^۳ معتقد است که تهدید «منفعت ضروری» یک کشور، درحقیقت تهدیدی جدی علیه وجود یک دولت، علیه بقای سیاسی و اقتصادی آن، علیه حفظ خدمات ضروری آن دولت و علیه حفظ صلح داخلی یا اکولوژی سرزمین آن دولت است (کرافورد^۴، ۱۹۹۹). البته شایان ذکر است که اصل ۲۷ اصول سیراکوس حتی تهدید نسبت به اخلاق عمومی را به‌عنوان سبب مشروعی برای اعلام وضعیت اضطراری معرفی نموده است (قربان‌نیا، ۱۳۸۶: ۴۴). دومین معیار شرایط اضطراری این است که منفعت ضروری در معرض یک «تهدید خطری جدی و قریب‌الوقوع» قرار گرفته باشد (ابراهیم گل، ۱۳۸۹: ۱۶۰). در این مؤلفه ما باید دو موضوع تهدید^۵ به خطری جدی و قریب‌الوقوع بودن خطر^۶ را تبیین نماییم. در خصوص واژه «تهدید» باید تأکید گردد که خطر باید تهدیدی نسبت به حیات سازمان‌یافته جامعه محسوب شود، تا بتوان وضعیت را اضطراری توصیف نمود. البته این بدان معنا نیست که خطر باید تمام دولت را دربرگرفته باشد تا دولت بتواند وضعیت اضطراری اعلام نماید و اجرای حقوق را به تعویق درآورد. مهم آن است که وضعیت حادث‌شده بر کل جامعه تأثیرگذار (موسوی، امین‌الرعیاء، همان: ۱۰۲). این مهم در پرونده لاولس (پرونده لالس علیه ایرلند، ۱۹۶۱: بند ۲۸) مورد تأکید دیوان قرار گرفت. در این قضیه به‌دنبال اوج گرفتن فعالیت‌های تروریستی در دهه پنجاه به‌منظور تسریع بازداشت مظنونین اقدامات تروریستی، دولت ایرلند اجرای ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را معلق کرد و خواهان دعوا به‌منظور به چالش کشیدن این تصمیم دولت ایرلند به دیوان اروپایی رجوع نمود. دیوان در پاسخ به این خواسته چنین حکم کرد «در سیاق کلی ماده ۱۵ کنوانسیون، معنای طبیعی و عرفی عبارت اضطرار عمومی که حیات ملت را تهدید می‌کند به‌اندازه کافی روشن است؛ این عبارت به یک

1. Roberto Ago
2. United Nations
3. Julio Barboza
4. Crawford
5. Threaten
6. Imminent Peril



وضعیت استثنایی بحرانی یا یک وضعیت اضطراری اشاره دارد که کلیه جمعیت را متأثر می‌سازد و تهدیدی است علیه حیات سازمان‌دهی شده اجتماعی که دولت مرکب از آن است.^۱ نکته قابل ذکر این است که ارزیابی آنچه تهدید بالقوه نسبت به دولت محسوب می‌شود، امری کاملاً ذهنی است (قربان‌نیا، ۱۳۸۶: ۴۳). عدم تحقق خطر را نباید لزوماً به معنای فقدان خطر واقعی و جدی پنداشت و در نتیجه اعلام وضعیت اضطراری را نامشروع تلقی نمود. (موسوی، امین‌الرعیاء، همان: ۱۰۴). همچنین مراد از قریب‌الوقوع روشن است. در این مفهوم، لازم نیست خطر بالفعل باشد بلکه خطر بالقوه نیز کافی است. ماده ۳۰ ضمیمه منشور اجتماعی اروپایی از این ایده حمایت می‌کند که کفایت خطر بالقوه، به این معنا است که واژه «در زمان جنگ یا دیگر اضطراری‌های عمومی» باید به‌گونه‌ای تفسیر شود که «تهدید به جنگ» را نیز شامل گردد. (پروست^۲، ۲۰۰۲: ۲۷۳). هم‌چنین دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص عنصر قریب‌الوقوع بودن بیان می‌دارد که «این امر مانع از آن نیست که ... خطری که در بلندمدت ظاهر می‌شود به محض وقوع آن در زمان مربوطه، قریب‌الوقوع باشد و تحقق آن خطر هرچند هم که بعید باشد، چندان دور از ذهن و نامسلم نمی‌باشد.» (گابچیکوو ناگیماروس، ۱۹۹۷: ۴۲، بند ۵۴). سومین مؤلفه این است که اقدامات مورد بحث باید «تنها راه» حمایت از منفعت ضروری دولت‌های مورد بحث باشد (موسوی، امین‌الرعیاء، همان: ۱۰۴).

ارزیابی اتفاقات آبان ماه ایران با مؤلفه‌های شرایط اضطراری

با نگاهی به مجموعه اتفاقات آبان ماه سال ۱۳۹۸ محرز می‌گردد که به‌واقع تمامی مؤلفه‌های شرایط اضطراری مانند تهدیدی جدی علیه وجود یک دولت، گسترده‌بودن خطر، بالقوه‌بودن آن، وجود خطری قریب‌الوقوع و نیز «تنها راه» ممکن که همانا قطع اینترنت می‌باشد، به‌عنوان مؤلفه‌های اساسی شرایط اضطراری در آن مقطع محقق گردیده است؛ لذا اقدام جمهوری اسلامی ایران در تعلیق دسترسی به اینترنت به‌طور موقت، با معیارهای

۱. دیوان پس از یک بررسی به این نتیجه رسید که وجود یک «اضطرار عمومی که حیات ملت را تهدید می‌کند» به‌طور معقولی از رفتار حکومت ایرلند که از ترکیب چند فاکتور ذیل به‌دست می‌آید، استنباط می‌شود: در وهله اول، وجود یک ارتش سری در سرزمین جمهوری ایرلند که برای رسیدن به اهدافش به خشونت متوسل می‌شود؛ دوم، این واقعیت که این ارتش در خارج از سرزمین کشور نیز فعالیت کرده و در نتیجه به روابط جمهوری ایرلند با همسایه‌اش شدیداً لطمه وارد می‌کند و سوم، گسترش فزاینده و هشداردهنده فعالیت تروریستی از پاییز ۱۹۵۶ تا نیمه اول سال ۱۹۵۷. جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به (Lawless v. Ireland, 1961: 28).

بین‌المللی فوق‌الذکر بدین شرح تطابق کامل دارد: درخصوص وجود یک تهدید جدی و گسترده بودن آن با نگاهی به مجموع اتفاقات و حوادث رخ داده، محرز می‌گردد که امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق کشته و زخمی شدن افراد عادی و مأمورین نظامی و انتظامی^۱، به آتش کشیدن زیرساخت‌های حیاتی کشور^۲ و همچنین اماکن نظامی و انتظامی^۳، تخریب اموال عمومی^۴ و خصوصی، برهم‌زدن نظم عمومی، غارت اموال عمومی و ... مورد تهدید جدی قرار گرفت. به طوری که براساس گزارش وزیر کشور تنها در ۴ استان کشور هیچ اتفاقی انجام نگرفت.^۵ این اعتراضات تا حدی بود که به تدریج به یک شورش خشونت‌آمیز علیه نظام تبدیل شد. همچنین در بسیاری از شهرها، ساختمان‌ها و خودروها، بانک‌ها و مغازه‌های فراوانی توسط معترضان تخریب شدند و جریان عادی کسب‌وکار و آمدو شد مختل شد. در برخی مناطق شهری شبکه بانکی، مخابراتی، سوخت‌رسانی و ترابری شهری تخریب و فروشگاه‌ها غارت شدند.^۶ بنابر گزارش رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، ۴۹۷ مرکز دولتی و بخش خصوصی مورد خسارت جدی قرار

۱. طبق مصاحبه رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در مورخ ۱۲ خرداد ۱۳۹۹ در اتفاقات آبان ماه ۱۳۹۸ ایران، ۲۳۰ کشته در مجموع داشتیم که ۶ نفر از مأموران بودند.
۲. در این خصوص علی ربیعی سخنگوی دولت در حاشیه هیأت دولت مورخ ۲۹ آبان ماه ۱۳۹۸ بیان داشت: «برخی از افراد مسیر ورودی عسلویه را بسته و مانع تعویض شیفت شده بودند. آن‌ها به لوله‌های نفت دینامیت بسته بودند و قصد انفجار در عسلویه را داشتند.»
۳. به گفته رحمانی فضلی در اغتشاشات آبان ماه بیش از ۵۰ مورد حمله به پایگاه و پاسگاه‌های امنیتی بوده که قطعاً در هر یک از این مراکز اسلحه و مهماتی وجود دارد (مصاحبه وزیر کشور، ۷ آذر ۱۳۹۸).
۴. به‌عنوان مثال حیدر اسکندرپور شهردار شیراز در جلسه ۲۹ آبان سال ۱۳۹۸ در شورای اداری شیراز بیان داشت: «حجم خسارت‌های این شهر در جریان اعتراض‌ها بسیار زیاد بوده و بخش‌های زیادی از زیرساخت‌های این شهر ویران شده است. به گفته او زیرساخت‌های بخش ترافیک شهری در مناطق ۴، ۵، ۹ و ۱۰ شهرداری شیراز کاملاً از بین رفته است» خبرگزاری بی‌بی‌سی فارسی (۲۰ نوامبر ۲۰۱۹).
۵. رحمانی فضلی وزیر کشور در تشریح جغرافیای اغتشاشات اخیر در کشور گفت: «در پنج استان شدت این اغتشاشات زیاد بود و سه شب ادامه پیدا کرد. درحقیقت از لحاظ پراکندگی در چهار استان ما هیچ اتفاقی نیفتاد. در کرمان تنها یک شهر، در مشهد در وکیل آباد، در خراسان جنوبی در یک نقطه و تنها یک شب اغتشاشات داشتیم. در پنج یا شش استان شدت اغتشاشات زیاد بود که بیشتر از ۵۰ درصد نیز در مناطق حاشیه‌ای بود. در شهرهایی همچون شیراز، اصفهان و تهران شرایط متفاوت بود (مصاحبه وزیر کشور، ۷ آذر ۱۳۹۸).
۶. به‌عنوان مثال امیر خسرو فخریان، رئیس اتحادیه فروشگاه‌های زنجیره‌ای در مصاحبه مورخ ۲۹ آبان ماه ۱۳۹۸ بیان داشت: «خسارت واردشده به فروشگاه‌های زنجیره‌ای از سوی آشوبگران بیش از ۱۵۰ میلیارد تومان برآورد شده که بخش اعظم آن در حاشیه استان تهران و کرج بوده است.» ایشان در قسمتی دیگر تأکید نمودند «حدود ۳۲ هزار متر مربع فضای فروشگاه‌های در دو روز اول ناآرامی‌های اخیر از سوی آشوبگران تخریب شده است» (سایت تحلیلی خبری عصر ایران، ۲۹ آبان ۱۳۹۸).



گرفت و به ۴۲۲ خودروی شخصی، ۲۳۰ خودروی دولتی و عمومی و ۵۶۹ خودرو و موتور نیروهای امنیتی و انتظامی آسیب زدند. ۹۹۱ بانک یا تخریب یا آتش زده و ۱۲۳ مرکز سوخت تخریب شد (مصاحبه رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، ۱۲ خرداد ۱۳۹۹). همچنین این اغتشاشات موجبات بی‌نظمی گسترده‌ای در سطح شهرهای بزرگ مانند تهران گردید به طوری که در این ایام تعدادی از اغتشاش‌گران با بستن مسیرهای اصلی تردد، موجبات بی‌نظمی گسترده‌ای را فراهم نمودند.^۱ این ناآرامی‌ها تا حدی بود که نیویورک تایمز اعتراضات آبان ۹۸ را «بزرگ‌ترین ناآرامی» ایران طی ۴۰ سال گذشته توصیف کرد (نیویورک تایمز، ۱۱ دسامبر ۲۰۱۹). حال ممکن است این موضوع مطرح گردد که آیا قطع اینترنت تنها راه حل کنترل اغتشاشات می‌باشد؟ در این خصوص رئیس شورای امنیت کشور اظهار داشت: «ما تا بعد از ظهر روز جمعه مشکلی نداشتیم اما هنگامی که رسانه‌های خارجی متوجه اجرای طرح شدند، شروع به تحریک و تهییج کردند و تصاویری از دی‌ماه سال ۹۶ مرتب منتشر می‌کردند به این معنا که این اتفاقات الآن در کشور رخ می‌دهد. همچنین تصاویری از عراق منتشر می‌کردند به عنوان خیابان‌های کشور.» رحمانی فضلی در ادامه بیان کرد: «ما با نیروهایی در صحنه اغتشاشات مواجه شدیم که در هسته‌های پنج یا شش نفره که حتماً همراه آن‌ها یک خانم بود، مردم را تهییج کنند و معمولاً به سلاح‌هایی همچون کوکتل مولوتوف مسلح بودند و دست به آتش‌زدن اموال عمومی و اموال خصوصی مردم زدند. از این مرحله وارد فاز می‌شویم که یک اعتراض سیاسی یا اجتماعی که می‌توانست در شرایط مطلوب‌تری توسط مردم اداره شود، به یک مسأله امنیتی تبدیل شد و شعارها نیز برانداز و تند شد.» همچنین رحمانی فضلی تأکید کرد: «ما در این مرحله که تخریب و آتش‌سوزی زیاد شد، مجبور شدیم اینترنت را به صورت موضعی و مقطعی قطع کنیم تا به این ترتیب عملیات روانی و تهییجی را که از خارج هدایت می‌شد، کنترل کنیم. در حقیقت ابتدا محدودسازی انجام شد و پس از اینکه دامنه این اغتشاشات به استان‌های دیگر سرایت کرد، مسدودسازی انجام شد.» (مصاحبه وزیر کشور، ۷ آذر ۱۳۹۸).^۳

۱. در این خصوص وزیر کشور در مصاحبه‌ای بیان داشت: «... بزرگراه‌ها را بستند و حتی بزرگراه تهران - کرج دو بار و تهران - مشهد چند بار مسدود شد. در جاده ماهشهر که بندر فعالی است جاده را بستند. جاده جم به عسلویه را سنگربندی کردند و حتی در برخی موارد با تیربار شلیک می‌کردند...»

2. The New York Times

۳. همچنین در این خصوص مجتبی ذوالنور رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در تبیین سیاست‌هایی که منجر به مهار ناآرامی‌های آبان ۹۸ شد نیز گفت: «با سخنرانی رهبری، قطع اینترنت و دستگیری لیدرها، زمینه

«جمهوری اسلامی ایران» به‌عنوان تنها مرجع تشخیص وضعیت اضطراری

این حقیقتی مسلم است که در وضعیت اولیه اضطرار و بحران که حیات یا امنیت ملتی تهدید می‌شود، تنها یک عامل توصیف‌کننده که از حقایق آگاه است، وجود دارد و آن عامل عبارت است از دولتی که وضعیت فوق‌العاده در قلمرو حاکمیتش رخ داده است. این امر به‌هیچ روی شگفت‌انگیز نیست. دولت تنها قربانی بالقوه حالت فوق‌العاده و بحرانی است و او است که قصد دارد پاره‌ای از حقوق موردحمایت نظام حقوق بشر را نقض نماید. به‌واقع می‌توان گفت حق تعلیق به‌عنوان یکی از قواعد حقوق بشر، قرابت ویژه‌ای با مفهوم حاکمیت دارد. دولت‌ها می‌توانند در شرایط استثنایی، اقداماتی برای حفظ موجودیت و ثبات ملت به عمل آورند، حتی اگر این اقدامات تعلیق قواعدی از حقوق بشر باشد (قربان‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۶۴)، از این رو تشخیص اینکه آیا چنین وضعیت و حالت خطرناکی پیش آمده است که به او اجازه ارتکاب چنین اقداماتی را دهد، با خود دولت است. حاکمیت دولت مفهومی عام و در عین حال نسبی است که مصادیق آن برحسب هر دولت متفاوت است. از این رو، انحصار قدرت تشخیص عناصر استعمال این حق به خود دولت موردنظر، نتیجه غیرقابل‌اجتناب همین حاکمیت دولت‌هاست.^۱ این موضوع در قضیه قبرس نیز مطرح و تصریح گردید که تنها دولت‌ها، صلاحیت اعلام کردن وجود خطر عمومی را دارند (یونان علیه انگلستان،^۲ ۱۹۶۹: بند ۳۴). افزون بر آن هیچ قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل وجود ندارد که مصادیق را منوط به تشخیص یک مرجع بین‌المللی یا سایر دولت‌های عضو معاهده نماید مگر آنکه خود دولت‌ها بر مبنای نوعی خودمحدودسازی ارادی، چنین چیزی را بپذیرند (فلسفی، ۱۳۷۹: ۵۷۰). این موضوع بارها مورد تأکید کشورها و نیز محاکم بین‌المللی قرار گرفته است.^۳ به‌عنوان نمونه دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده ایرلند علیه

جمع‌شدن افراد در کف خیابان فراهم شد و مردم معترض مسیر خود را از ضلالت‌قلاب جدا کردند.» (مصاحبه رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی، مورخ ۱۲ خرداد ۱۳۹۹)

۱. همان‌طور که سابقاً ذکر شد، مواد ۱۵ و ۲۷ دو کنوانسیون اروپایی و آمریکایی حقوق بشر نیز تحقق یک بحران با حالت فوق‌العاده را پیش‌بینی کرده‌اند. به موجب این دو ماده، در وقوع جنگ یا خطر دیگری که حیات ملت را تهدید می‌کند، هر یک از دولت‌ها می‌توانند تدابیر ویژه‌ای را در تعلیق تعهدات مندرج در کنوانسیون اتخاذ کنند.

2. Greece v. UK

۳. کمیته حقوق بشر، در ابتدا اظهار نمود که در اختلاف Ramirez v. Uruguay خود راساً به ارزیابی وجود حالت اضطراری و اعمال ماده ۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی خواهد پرداخت، حتی اگر دولت به آن استناد نکرده باشد؛ اما گزارش‌های سال‌های اخیر نشان می‌دهد که کمیته از این رویکرد خود دست کشیده و رویکرد کمیسیون اروپایی حقوق بشر را پذیرفته است که به موجب آن، تنها اعلام رسمی وضعیت اضطراری توسط دولت، می‌تواند توجیه‌گر تعلیق به موجب ماده ۴ میثاق باشد (قربان‌نیا، ۱۳۸۶: ۴۲-۴۱).



انگلستان خاطرنشان نمود که «دولت درگیر به سبب ارتباط مستمر و مستقیم با نیازها، نسبت به یک قاضی بین‌المللی جهت تصمیم‌گیری درخصوص ماهیت و محدوده اضطرار در وضعیتی بهتر و برتر قرار دارد.» (ایرلند علیه بریتانیا، ۱۹۷۸: بند ۲۰۷)

۴) بررسی ادله مخالفت با قطع اینترنت از منظری متفاوت

افزایش ضریب نفوذ اینترنت و توسعه ظرفیت‌های مبتنی بر آن در ایران از اهداف برنامه توسعه چندساله کشور محسوب می‌گردد، با این وجود مجموع موضع‌گیری‌ها مقامات سیاسی درخصوص قطع اینترنت نشان می‌دهد که هرچند گسترش زیرساخت‌های اینترنتی کشور تأثیر بسزایی در رشد علم و پیشرفت کشور دارد، لکن باید توجه داشت که اینترنت و فرصت‌های برخاسته از خدمات مبتنی بر آن و ضرورت تسهیل دسترسی مردم ایران به اینترنت در کنار خود یک تهدید راهبردی هم دارد؛ به طوری که این سامانه در صورت عدم نظارت مؤثر می‌تواند نقش اساسی در پیشبرد اهداف آمریکا ایفا نماید.^۱ اقرار بر این تهدید بالقوه در سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌های مقامات آمریکایی کاملاً مشخص است. به‌عنوان نمونه، وزیر دفاع سابق آمریکا در ژوئن سال ۲۰۰۹ اظهار می‌نماید: «فناوری رسانه‌های اجتماعی مانند توئیتر نقش حیاتی در آشوب‌های فتنه‌گران در ایران داشته و یک دارایی استراتژیک برای آمریکا محسوب می‌شوند» (خبرگزاری سی بی اس،^۲ ۱۹ ژوئن ۲۰۰۹). همچنین باید توجه شود که حوزه اینترنتی هیچ‌گاه مورد تحریم‌های یک‌جانبه و چندجانبه بین‌المللی قرار نگرفته است. به‌عنوان نمونه مقامات آمریکایی علی‌رغم اعمال تحریم‌های فراوان علیه ایران، مخالف تحریم ایران بوده‌اند و بارها بر ضرورت تسهیل توسعه این فناوری در ایران تأکید ورزیده‌اند (مهنآ،^۳ ۱۳۹۴: ۷۷۳) و در عین حال جهت مساعدت یا آموزش کاربران ایرانی برای رفع مسدودیت، کنترل و نظارت بر اینترنت تلاش دارند.^۴ همچنین مرکز کنگره آمریکا در گزارشی با عنوان «ایران، امنیت خلیج فارس و سیاست

۱. اهمیت اینترنت تا این حد است که جان برنان رییس سازمان سیا، معاونت فناوری دیجیتال را به ساختار سستی آن سازمان افزود. ر.ک:

(Unclassified Version of March 6, 2015 Message to the Workforce from CIA(2015),

<https://www.cia.gov/news>)

2. CBS News

3. Mehta

۴. وندی شرمن مقام سابق وزارت امور خارجه آمریکا در ۱۴ اکتبر ۲۰۱۱ اعلام کرد که برخی از بودجه‌هایی که در ایران صرف می‌شود، هزینه آموزش ایرانیان در استفاده از فناوری‌هایی است که تلاش‌های دولت را جهت سانسور اینترنت تضعیف می‌کند. همچنین وزارت امور خارجه آمریکا جهت برقراری ارتباط بهتر با کاربران اینترنت در ایران، فیدهای توئیتر به زبان فارسی را راه‌اندازی کرد (Katzman, 2016:48).

آمریکا» نوشت «به‌رغم وضع تحریم‌های گوناگون علیه ایران، آمریکا باید مجوز صادرات نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای ارتباطی به ایران را صادر نماید. کنگره همچنان باید از دسترسی مردم ایران به ابزارهای ارتباطی حمایت نماید. این امر دسترسی ایرانیان به اطلاعات و دانش را افزایش می‌دهد. این امر شهروندان ایران را تشویق خواهد کرد که با فشار بر رژیم، به آزادی‌های بیشتر سیاسی و شخصی دست یابند (کاتزمن^۱، ۲۰۱۶: ۴۷-۴۸). در همین راستا یکی از مأمورین اطلاعاتی آمریکا در رابطه با اهمیت اینترنت بیان می‌دارد: «سیا ناگهان فهمید که تلقین ارزش‌های آمریکایی از طریق اینترنت بسیار راحت‌تر از اعزام مأمور به محل‌های موردنظر برای انجام این کارها است (کمالی پور^۲، ۱۴۸: ۱۳۸۹) یا در فکت شیءت؟ روابط آمریکا و کوبا نیز آمده است «باید با شرکت‌های اینترنتی در کوبا برای پشتیبانی از اتصال بهتر و دسترسی آزاد مردم کوبا به اطلاعات تعامل گردد». (فکت شیءت روابط آمریکا و کوبا، ۲۰۱۶). از سوی دیگر مؤسسه رند نیز در گزارشی با عنوان «قدرت اجبار»، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جهانی را از ابزارهای مهم در جهت تحرکات داخلی و حامیان خارجی آن‌ها قلمداد کرده که درنهایت می‌توانند کشور هدف را به تسلیم و تأمین منافع آمریکا وادار کند (مولاندر، ریدل، ویلسون، ۲۰۱۷: ۳۹-۴۳). حال با توجه به موضوعات فوق‌الذکر و تأکیدی که مقامات غربی در توسعه زیرساخت‌های اینترنتی و محتوایی مرتبط با آن در کشور هدف خود و از جمله ایران دارند، به نظر می‌رسد گسترش اینترنت بدون درنظرگرفتن ملاحظات امنیتی و کاربست تولید محتوای بومی و همچنین ایجاد مؤثر شبکه ملی اطلاعات مجدداً می‌تواند در آینده تبعات منفی بسیاری برای کشور و شهروندان داشته باشد.

نتیجه‌گیری

در حقوق بین‌الملل موضوعاتی مانند منافع اساسی، نظم عمومی و امنیت ملی مربوط به حوزه‌هایی می‌شوند که اغلب برای حاکمیت دولت‌ها اموری اساسی هستند و به‌طور سنتی دولت‌ها بر آن نظارت دارند. نظر به اینکه در حوزه حقوق بین‌الملل در شرایط اضطراری دو تکلیف دولت‌ها در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند، از یک‌سو تکلیف آن‌ها نسبت به حفاظت از منافع ملی خویش نظیر نظم عمومی و امنیت ملی و از سوی دیگر تکلیف به التزام نسبت به رعایت معاهدات بین‌المللی و حقوق بشری مانند حق آزادی بیان که از شقوق آن حق دسترسی به اینترنت می‌باشد. نکته حائز اهمیت درخصوص حق دسترسی

1. Katzman
2. Kamalipour



به اینترنت به‌عنوان یکی از ابزارهای حق آزادی بیان این است که این حق از سوی تمامی دولت‌ها و از جمله جمهوری اسلامی ایران در شرایطی که امنیت ملی کشور در معرض خطر باشد و ضرورت ایجاب نماید، هم قابل «محدودیت» و هم قابل «تعلیق» می‌باشد.

با توجه به ابعاد بحران آبان ماه سال ۱۳۹۸ که تهدیداتی نه‌فقط بالقوه بلکه تهدیداتی بالفعل بودند و منجر به کشته و زخمی‌شدن افراد عادی و مأمورین نظامی و انتظامی، به آتش‌کشیدن زیرساخت‌های حیاتی کشور و همچنین اماکن نظامی و انتظامی، تخریب اموال عمومی و خصوصی، برهم‌زدن نظم عمومی، غارت اموال عمومی و ... گردید؛ به‌طوری‌که مجموع اقدامات انجام‌شده تهدیدی بودند علیه امنیت ملی کشور و به جهت هدایت این حرکت‌ها از خارج، یکی از راه‌های عاجل جهت رفع وضعیت اضطراری، ایجاد محدودیت یا قطع موقتی اینترنت جهت تأمین امنیت و جلوگیری از گسترش آشوب و بحران بود.

آنچه مسلم است بررسی نسبت شدت و حدت آشوب‌ها و اغتشاشات خیابانی آبان ماه ۱۳۹۸ ایران پیش و پس از محدودنمودن دسترسی به اینترنت، نشان می‌دهد با اعمال محدودیت بر دسترسی به اینترنت، از شدت آشوب‌ها و حضور اغتشاش‌گران در خیابان‌ها به نحو معتنا بهی کاسته شد و مجموعاً شرایطی را شکل داد که از بروز ناامنی بیشتر برای شهروندان ممانعت به‌عمل آمد. این نسبت محرز می‌نماید که دسترسی به بیانیه‌ها، فراخوان‌ها و پروپاگاندای رسانه‌ای موجود در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، رابطه مستقیمی با احتمال وقوع خشونت‌ها و اغتشاشات داشته است و در راستای حفظ منافع عمومی و تأمین امنیت ملی و به جهت وضعیت اضطراری بوده که حادث‌شده است. از این منظر می‌توان گفت اقدام ایران در محدودنمودن دسترسی به اینترنت، جهت ضرورت پیش‌آمده بوده و همان‌طور که بیان شد این عملکرد در رویه سایر کشورها نیز به‌وفور مشاهده شده است. همچنین اگرچه ایجاد محدودیت موقت در دسترسی به اینترنت حق آزادی بیان را تحت تأثیر قرار داده است، لکن بنابر مفاد کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حق آزادی بیان در شرایط اضطراری قابل تعلیق و محدودیت می‌باشد از این رو، حق دسترسی به اینترنت نیز به‌عنوان ابزاری جهت نیل به حق آزادی بیان از این قاعده مستثنی نبوده و تعلیق و محدودیت آن بنابر ضرورت پیش‌آمده، خلاف موازین حقوق بشری نبوده است.

منابع

فارسی

- ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۸۹)، مسئولیت بین‌المللی دولت متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، شهر دانش، چاپ دوم.
- احمدی‌نژاد، مریم؛ امین‌الرعا، یاسر (۱۳۹۵)، دکترین صلاح‌دید و منافع ملی دولت‌های عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مجله مطالعات راهبردی، دوره ۱۹، شماره ۷۱.
- احمدی‌نژاد، مریم؛ امین‌الرعا، یاسر (۱۳۹۵)، ماهیت حقوقی دکترین حاشیه مجاز تفسیر، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۳۰، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۱۸، تابستان.
- اسلامی، رضا؛ عصاره، عبدا... (۱۳۹۱)، حق دسترسی به اطلاعات در اینترنت؛ ابزار تقویت مشارکت شهروندی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۰.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹)، امنیت در حال گذر: تحول مفهوم امنیت در قرن بیست و یکم، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره ۴.
- ایران‌شاهی، علی‌رضا، بررسی معیار نظم عمومی در نظارت قضایی بر رأی داوری تجاری بین‌المللی، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و هشتم، شماره ۴.
- حیبی مجنده، محمد (۱۳۹۵)، حق دسترسی به اطلاعات و کپی‌رایت در فضای مجازی، فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری.
- رضایی، مهدی؛ بابازاده، حامد، (۱۳۹۳)، اصول تدوین قوانین و مقررات برای اینترنت با تأکید بر مصوبات یونسکو و شورای اروپا، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۲.
- ره‌پیک، حسن (۱۳۷۷)، امنیت ملی و تحدید حقوقی آن، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش‌شماره ۲.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴)، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران، انتشارات سمت.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۹)، حقوق بین‌الملل معاهدات، تهران، فرهنگ نشر نو.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۶)، تعلیق اجرای حقوق بشر در شرایط اضطراری، مجله فقه و حقوق، سال سوم، شماره ۱۲.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۰)، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
- کدخدایی، عباسعلی؛ وکیل، امیرسعاد (۱۳۹۴)، حقوق شهروندی در اینترنت، انتشارات جاودانه، چاپ اول.
- کوچک‌نژاد، عباس (۱۳۸۳)، محدودیت‌های حقوق بشر در اسناد بین‌المللی، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، شماره ۳.
- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۰)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، انتشارات پایدار، تهران چاپ ششم.



موسوی، سیدفضل‌الله، امین‌الرعیاء، یاسر (۱۳۹۳)، بررسی حدود اختیارات کشورهای اروپایی در ممنوع‌کردن حجاب با تکیه بر دکترین صلاحدید دولت‌ها، دو فصلنامه مطالعات زن و خانواده، دوره ۲، شماره ۱، بهار و تابستان.

انگلیسی

- UN General Assembly(2015), Transforming our world: the 2030 Agenda for Sustainable Development, A/RES/70/1, 21 October.
- African Charter on Human and Peoples(1986).
- American convention on human rights(1992)
- Best, Michael I(2004), can the internet be a human right? Human right and human welfare, Vol. 4.
- Calling of an International Conference on Freedom of Information (1946) UNGA 87; A/RES/59 (I)
- Council on Foreign Relations(2013), Defending an Open, Global, Secure, and Resilient Internet
- Deniz, Ye(il)(2(18), Online freedoms and the European Court of Human Rights: A Path Forward for Turkey?, Cyber Governance and Digital Democracy
- Documents of the Thirty-Second Session 1980), 2 Int'l L. Comm'n 14, U... o. c. A/ CN.4/SER.A/1980/Add.1 (Part 1).
- European convention for the protection of human rights and fundamental freedoms(1950): " Everyone has the right to freedom of expression."
- Freeman ,Lawrence(1992), The Concept of Security, Encyclopedia of Government and Politics ,Vol. 2, Psychology Press
- General comment no. 34, Article 19, (12 September 2011), Freedoms of opinion and expression, UN Human Rights Committee (HRC).
- Global Trends on the Right to Information(2001): A survey of south Asia.
- Ibrahim S. Alharbi(2011), Democracy in Islamic and International Law, Author House.
- International Covenant on Civil and Political Right(1966), Adopted and opened for signature, ratification and, accession by General Assembly resolution 2200A (XXI), Entry into force 23 March 1976.
- Kamalipour, Yahya(2010) Media, Power, and Politics in the Digital Age: The 2009 Presidential Election Uprising in Iran, UK: Rowman & Littlefield Publishers.
- Lukman ,Harees (2012), The mirage of dignity on the highways of human`progress', Author House Universal Declaration of Human Rights (1948):"Everyone has the right to freedom of opinion and expression."
- Molander ,Roger C. , Riddile ,Andrew S. , Wilson ,Peter A(2017),STRATEGIC INFORMATION WARFARE A New Face of War , National Defense Research Institute rand
- Okekeifere, Andrew I (1999), Public Policy and Arbitrability under the UNCITRAL Model Law, International Arbitration Law Review
- Pinto ,Monica (2008) . National and International Courts - Deference or Disdain, Loyola of Los Angeles International & Comparative Law Review ,Vol. 30

- provost ,Rene(2002), International Human Rights and Humanitarian Law, Cambridge University Press
- Katzman, Kenneth(2016), Iran: Politics, Gulf Security, and U.S. Policy, August 19, Congressional Research Service.
- Second Report on State Responsibility1999...: Addendum, Int'l L. Comm'n, 51st Session, at 30, U.N. Doc. A/CN.4/498/Add.2
- Shelley, Wright(2001), International Human Rights: Decolonisation and Globalisation, Routledge, London and New York.
- Fact Sheet: United States-Cuba Relationship, 21 march(2016).
- Wolfgang ,Benedek (2006), Understanding Human Rights:Manual on Human rights Education, Intersentia Uitgevers N.V, Belgium
- Zimmermann, Andreas (2011), The 1951 Convention Relating to the Status of Refugees and Its 1967 Protocol: A Commentary, Oxford University Press.
- Mehta, Pinky P. (2015), Sanctioning Freedoms: U.S. Sanctions Against Iran Affecting Information and Communications Technology Companies, University of Pennsylvania Journal of International Law, Vol. 37.
- Tomalty,Jesse(2017) Is There A Human Right to Internet Access?, Philosophy Now, Volume 118, February/March.
- West, Darrell M. (2016), Internet shutdowns cost countries \$2.4 billion last year, Center for Technology, Innovation at Brookings, October 2016.

پرونده‌ها

- Regina v. Pierre Bouchereau, European Court of Justice(1977)
- Gabcikovo-Nagymaros (Hungary v. the Slovak Republic), I.C.J. (1997)
- Handyside v. United Kingdom , Series A No. 24, European Court of Human Rights (7 December 1976)
- Greece v. UK, European Commission of Human Rights: Report Strasbourg, (18 November 1969)
- Netherlands v. Greece (Greek case) (1969): European Commission of Human Rights: Report Strasbourg, Judgment of 18 November
- Gabcikovo-Nagymaros (Hungary v. the Slovak Republic), European Court of Human Rights (25 September 1997)
- Greece v. UK, European Commission of Human Rights: Report Strasbourg, (18 November 1969)
- Lawless v. Ireland,(1958-9) Eur. Conv. on 308 ,Eur. Comm'n on
- Ireland v. the United Kingdom, European Court of Human Rights(18 January 1978), Series A no.25.
- Leander v. Sweden, European Court of Human Rights(26 March 1987)
- Observer v UK, European Court of Human Rights(26 November, 1991)
- Sürek v. Turkey European Court of Human Rights(8 July 1999)
- K.U. v. Finland , European Court of Human Rights(2 December 2008)
- Ahmet ıldırım v. Turkey, European Court of Human Rights(18 December 2012)
- DELFI AS v. ESTONIA , European Court of Human Rights(16 June 2015)
- Ireland v. the United Kingdom,5310/71, European Court of Human Rights, 13 December 1977.



متفرقه

- بیانیه دیده‌بان حقوق بشر (۲۹ آبان ماه ۱۳۹۸).
- توثیت رییس جمهور آمریکا (۳۰ آبان ماه ۱۳۹۸).
- خبرگزاری بی‌بی‌سی فارسی (۲۰ و ۲۱ نوامبر ۲۰۱۹).
- خبرگزاری دوپچه‌وله فارسی (۳۰ آبان ماه ۱۳۹۸).
- سخنرانی اوایاما، تحلیل وضعیت جهان اسلام با تمرکز بر جایگاه اینترنت و کارآفرینی در تغییرات سیاسی - اقتصادی سرزمین‌های اسلامی (۱۹ می ۲۰۱۱).
- مصاحبه رئیس کمیسیون امنیت ملی با خبرنگاران (۱۲ خرداد ۱۳۹۹).
- مصاحبه وزیر کشور، روزنامه ایران، شماره ۷۲۱۵ (۷ آذر ۱۳۹۸).
- مصاحبه وزیر امور خارجه آمریکا با خبرنگاران (۲۸ آبان ماه ۱۳۹۸).
- همشهری آنلاین، پنجشنبه ۱۲ دی ۱۳۹۸، www.Hamshahrionline.ir/news

The New York Times, Dec. 1. 2019,

<https://www.nytimes.com/issue/todayspaper/2019/12/01/todays-new-york-times>

11. Unclassified Version of 6 March 2015 Message to the Workforce from CIA,
<https://www.cia.gov/news>

1. Leskin, Paige(2020), Trump's push to ban TikTok in the US, explained in 30 seconds, Aug 8, <https://www.businessinsider.com/donald-trump-tiktok-ban-us-china-explained-in-30-seconds-2020-8>.
2. Fars News Agency, 25 Jan 2020, <https://en.farsnews.ir/newstext.aspx?nn=13981105000001>
3. Griffin, Andrew(2015), The Independent, 19 November 2015, <https://www.independent.co.uk/news/world/europe/france-state-of-emergency-declared-for-three-months-allowing-authorities-to-shut-down-websites-and-a6740886.html?ampws> Agency, 25 Jan 2020.
4. The Washington Post, 2019/12/15, www.washingtonpost.com

